

سال چهارم  
دور ۴۵

☆ آرگان کمیته کردستان    سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)    ☆ قیمت ۵۰ ریال    شماره ۴۰

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی  
**سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)**  
رژیم فقاها و مضحکه "ضد امپریالیستی"  
صفحه ۲

**نکته و نظر**  
یاوه گوی حق مسلم جریان توکل است  
صفحه ۱۱

گسترش جنگ پارتنرانی، یک ضرورت میم  
د شماره قبل نشریه یگای کرکار  
بخشهای اول و دوم این مقاله را که به  
جمع بندی فشرده ای از پروسه جنگ  
انقلابی د کردستان، و اثبات جنگ  
پارتنرانی بعنوان تاکتیک این مرحله  
از جنگ تود های کردستان پرد اختسه  
بود، درج نمودیم. بخش سوم این مقاله  
راد راین شماره بچاپ میسرانیم.  
بقیه در صفحه ۵

نوزدهمین سال استقلال یمن  
گرامی باد  
صفحه ۴۶

**اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان**  
صفحه ۲۹

**چهارمین سیگنال انقلاب اسلامی - رژیم جمهوری اسلامی افغانستان شود**

در ایران ۴۰ سالون میرومندی برای نضج  
و گسترش این جنبش در سراسر منطقه  
خاورمیانه بوجسود آورده است.  
صفحه ۱۲

رشد و گسترش جنبش یسان  
اسلامیستی در ایران و بویژه بقدرت  
رسیدن روحانیت طرفدار ولایت فقیه

**آزادی، استقلال، حکومت شورائی**



فرمان کارگران انقلاب ایران

# اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگرا)

## رژیم فقهی و مضحکه "ضد امپریالیستی"

کارگران و زحمتکشان ایران!

همه شما این روزها، شاهد رسوایی ناشی از بر ملا شدن، بنسب و بست های رژیم حاکم با امپریالیسم آمریکا و دولت اسرائیل هستید و بسیار دیگر با تمام وجود خود بعمق عوامفریبی و دروغ پردازی رژیم که سالهاست با دهان کف آلود و نعره های دروغین خود را دشمن سرسخت "شیطان بزرگ" و پشاهنگ "فتح قدس" معرفی میکند، پی میبرید. چه جنایت هایی که رژیم ولایت فقیه، طی این سالها به بهانه "مبارزه ضد امپریالیستی" نکرده است! رژیم اسلامی همواره نیروهای انقلابی و کمونیست را وابسته به "اسکتیبار جهانی" معرفی کرده است تا زیر شعارهای دروغین "ضد امپریالیستی" بهتر بتواند وظیفه کمونیست کشی، سرکوب کارگران و زحمتکشان، و بسط هر چه بیشتر دامنه اختناق و سانسور را به انجام رساند. و امپریالیسم آمریکا هم با درک منتهون واقعی این مبارزات "ضد امپریالیستی" و با صحنه گذاشتن بر کارنامه رژیم خمینی، بمشابه یک حکومت فاطع ضد کمونیستی است که با کمکهای تسلیحاتی در یک دست و کیکی بدست دیگر، آماده پاسخگویی به خواست جمهوری اسلامی میشود.

مردم انقلابی ایران!

رژیم بیابان ولایت فقیه، که تمام هست و نیست کشور را در گرو جنگی ارتجاعی بی سرانجام و خاتمان برانداز ۷ ساله قرار داده است برای مقابله با این بست کنونی جنگ و تامین تسلیحات لازم در شرایط بحران اقتصادی بی سابقه، مستقیماً به امپریالیسم آمریکا، آنهم هارترین جناحهای آن، و اسرائیل یعنی چاقو امپریالیسم در منطقه خاورمیانه، متوسل شده است و از آنجا که از دریده

شدن پرده دروغ و بیاو از خشم شما مردم زحمتکش می ترسد، بناچار ایمن سیاست را بصورت پنهان از چشم شما و شیوه‌ای بغایت درجه ریاکارانه و زبونانه پیش میبرد. و اکنون نیز که دستش پس از یکسال ونیم مراوده با "شیطان بزرگ" بوسیله جناحی از حکومتیان و بدلیل کشاکشهای دیون حکومتی، از پرده بیرون افتاده است، از یکسو به تصفیه و سرکوب عناصر این جناح توسل جسته و از سوی دیگر با نهایت عوامفریبی، زبونی و روغپردازی به توجیه و تحریف این مناسبات پرداخته است. اما علل و عوامل این سازش و نزدیکی، در وهله اول نیازهای تسلیحاتی جنگ و رفع بن بست های آن، همچنان بثبوت خود باقی بوده و رفسنجانی نیز رسماً گفته است که جدا معتقد است آمریکا درصد اصلاح (؟) خود بوده و رابطه با آن در سطوح معینی ادامه خواهد داشت. در این میان امپریالیسم آمریکا نیز با توجه به وضعیست و خامت بار و شکننده جمهوری اسلامی و با توجه به اهمیت استراتژیستک ایران برای منافع امپریالیسم در منطقه، بزعم خود درصد یاریگیری و تقویت جناحهای "میانرو" (یعنی همان خمینی و رفسنجانی و...) بسرای اعاده نفوذ گذشته خود در ایران برآمده است.

اما در این ماجرا تنها مسأله قریب رژیم اسلامی نبود که در برابر دیدگان مردم ایران و منطقه و جهان بکناری زده شد، بلکه ضد انقلاب مغلوب (بورژوازی سلطنت طلب) این پادوی امپریالیسم نیز چنان دستش روشد که از شدت استیصال، دم برنیاوردن را بهترین شیوه دفاع ممکن در شرایط کنونی، تشخیص داد! در این رسوائی بزرگ که بدلیل بحران حکومتی امپریالیسم آمریکا، از پرده بیرون افتاد، معلوم شد که حضرات هزینه‌های ایجاد و استقرار تشکیلات، رادیو، تلویزیون، و شواداد قیقه‌ای اخیر، یعنی کل سرمایه سیاسی - تشکیلاتی خود را مستقیماً از "سازمان سیا" دریافت داشته‌اند (و بعد از این هم خواهند کرد!) و این در حالی است که حضرات، هم از جنگ ارتجاعی رژیم حاکم حمایت میکنند و هم از تحویل اسلحه آمریکائی به ایران!

مردم زحمتش ایران !

همانطور که این روزها ، یکبار دیگر شاهدید ، رژیم خمینی که مدافع نظام سرهایداری گنبدیده است ، بنا به ماهیت ضد مردمیش به هیچ وجه نمیتواند ، علیه امپریالیسم مبارزه‌ای واقعی بکند . تنها نیروی اراده کارگران و زحمتکشان است که میتواند به یک مبارزه ضد امپریالیستی واقعی دست بزنند و آنها را پیگیرانه و تا سرانجام خود پیش ببرد . و کمونیستها درست بدلیل دفاع از این خواست و تلاش و جانفشانی برای تحقق آنست که این همه مورد نفرت و دشمنی امپریالیسم ، دستگاه ولایت فقیه ، ضد انقلاب سلطنت طلب و دیگر نیروهای ضد کمونیست میباشد .

مردم انقلابی ایران !

هم اکنون رژیم در بحران مالی ، نظامی و حکومتی شدیدی بسر میبرد ! اعزام هر چه گسترده تر جسونان ، کارگران و زحمتکشان بسوی کشتارگاههای جنگ همچنان ادامه دارد . سیل و سرما و یخبندان ، و فقدان مواد سوختی و برق در این زمستان سخت ، زندگی بسیاری از کودکان ، پیران و زحمتکشان را در معرض خطر قرار داده است . و دولت نیز رسماً ناتوانی خسود را در مقابله با سیل و سرما اعلام کرده است ! در چنین شرایطی تنها راه مقابله با این فلاکت و رنج ، مبارزه متحد و یکپارچه علیه جنگ ارتجاعی و مبارزه برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه است . صفوف خود را برای سرنگونی این حکومت سنياه ، هر چه بیشتر فشرده سازید !

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا !

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی !

مرگ بر جنگ ، زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب !

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارها)

۱۵/۹/۷۵

## گسترش جنگ پارتیزانی، يك ضرورت مبرم

بخش سوم: گسترش جنگ پارتیزانی و چشم انداز آن

بشدت کم و محدود هستند. کم کردن تعداد افراد پایگاهها و تخلیه برخی از آنها، یکی از مظاهر محدودیت نیروی دشمن است. بی شک رژیم در پی استقرار نیروهایش سعی در تحکیم خود در مناطقی که به اشغال درآورد، و تثبیت خود در آنهاست که شبیهت نظامی یکی از اجزاء برنامه‌های رژیم برای تثبیت خود بشمار میرود. وظیفه نیروی پیشمرگه این است که در این مرحله مانع از تحکیم و تثبیت بیشتر نیروهای نظامی دشمن در منطقه شده و با وارد آوردن ضربات در پی برپیکر آن، خستگسی، فرسودگی و تضعیف روحیه نیروی دشمن را افزایش دهد و این امر را تا به انجا پیش ببرد که حتی موج مخالفت و نارضایتی را در صفوف دشمن دامن بزند. پس از وارد آوردن ضربات بسیار بر پیکر نیروهای دشمن و بوجود آمدن حداکثر فرسودگی

استقرار نیروهای نظامی دشمن در کردستان، حداکثر پراکندگی نیرو را بدانان تحمیل مینماید. دشمن ناگزیر است که برای حفظ مناطق اشغالی در تمامی نقاط نیرو متمرکز کند و این امر، واحدها آنرا ضربه پذیرتر مینماید. اگرچه دشمن توانسته است با يك کاسه کردن نیرویش در کردستان تا حدودی کم بود نیروی خود را جبران نماید ولی کاهش فوق العاده قدرت بسیج نیروی آن که بطور وسیعی خود را در شکار جوانان برای اعزام به جبهه‌ها، بردن زنان به جبهه‌های جنگ و یورشهای وسیعی که برای شکار جوانان انجام داده (و مثلادر کردستان تا به انجا پیش رفته که در بعضی مناطق سرریزگیری را بطور موردی نسبت به سرکوب پیشمرگه در الویت قرار داده) نشان میدهد که نیروهای دشمن در عین اینکه ناگزیر به تن دادن به حداکثر پراکندگی

از حضور و عملیات پیشمرگان به اعمال وحشیانه‌ای در قبال اهالی دست میزند. توپ و خمپاره باران روستاها و مزارع دهقانان، کوچ اجباری و سوزاندن و تخریب روستاها جهت غیر قابل استفاده کرد نشان برای پیشمرگان، ضرب و شتم مردم، سرریزگیری و تسلیح اجباری و نظایر اینها، همگسی بر نارضایتی مردم میافزاید. نیروهای انقلابی در عین اینکه باید با توضیح مستمر اهداف رژیم از دست زدن به چنین اقدامات جنایتکارانه‌ای، به افشای بیش از پیش ماهیت رژیم بپردازند، ضروریست که با کار آگاهانه گرانه خود حیل‌هایی نظیر سرریزگیری و تسلیح اجباری که در خدمت اعمال فشار به نیروی پیشمرگه نیز بکار گرفته میشود را خنثی نموده و با روشن نمودن عواقب تن دادن به خواسته‌های رژیم و مرعوب تهدیدات شدن که نتیجه‌ای جز اعمال فشار بیشتر بر روی اهالی را بدنبال ندارد، نیرنگهای رنگارنگ دشمن را خنثی نموده و حمایت توده‌های از جنبش مسلحانه را تقویت کند.

پیوستن نیروی بیشتر به صفوف

و روحیه ضعیف در بین نیروهای دشمن، امکان دست زدن به تسلیح نبردهای سنگین تر بوجود آمده و میتوان در مناطقی به پاک‌سازی نیروی دشمن دست زد و مناطق پایگاهی جدیدی را برای پیشمرگان بوجود آورد.

در این دور رژیم برای تثبیت خود، فشاری بیش از پیش به مردم وارد خواهد آورد. افزایش فشار موجب گسترش نارضایتی در بین مردم خواهد شد و آنان شرایط کنونی را با گذشته که در کنار پیشمرگان زندگی میکردند مقایسه نموده و بر حمایتشان نسبت به پیشمرگان افزوده خواهد شد. وقایع چند سال اخیر بخوبی نشان داده که حمایت توده‌های در زمانیکه منطقه به اشغال دشمن درآمده افزایش مییابد و استقبال اهالی مناطق اشغالی از پیشمرگان نسبت به قبل افزون تر میگردد. علت اصلی این امر مشاهده روزمره تفاوت عملکرد نیروهای انقلابی با مزدوران رژیم خمینی توسط اهالی مناطق اشغالی است.

علاوه بر این رژیم برای مانع

پیشمرگان و تقویت این نیرو نیز یکی از نتایج پیشبرد چنین سیاستی بوده و نیروهای انقلابی باید برای جلب نیروی بیشتر به صفوف پیشمرگان، تلاش خود را افزایش دهند.

اما در این شرایط، نیروی پیشمرگه تماما میتواند در خدمت وارد آوردن ضربه بر پشت جبهه دشمن قرار گیرد، چرا که بخشی از نیرویش صرف جنگ موضعی، حفظ مناطق پایگاهی و امثالهم نخواهد شد. پیشمرگان میتوانند با تکیه بر نقاط پایگاهی خود، جنگ پارتیزانی گسترده‌ای را در پشت جبهه دشمن برآه بیندازند.

البته در این شرایط که رژیم محاصره و سرکوب پیشمرگه را در این برنامه‌های خود قرار داده حضور پیشمرگان در مناطق مختلف باید با رعایت کامل مسائل امنیتی صورت گیرد، زیرا مزدوران دشمن هر زمان و در هر نقطه‌ای که متوجه حضور نیروی پیشمرگه شوند، بدان حمله ور گشته و سعی در نابودی آن

خواهند داشت در شرایطی که دشمن در موضع نیرومندی قرار داشته و پیشمرگان در موضعی ناتوانتر نسبت بدان، پنهان نگه داشتن محل حضور و مسیر رفت و آمد پیشمرگان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. دشمن سعی میکند که تمامی امکانات خود را برای وارد آوردن ضربه به پیشمرگان بکار اندازد و تمامی نقاط و مسیرهایی را که مورد استفاده آنها قرار میگیرد را به کنترل درآورد. نقایحی که پیشمرگان در آنجا استراحت میکنند، مسیر راهبانی که از آن عبور مینمایند، نقاطی از رودخانه‌ها و جاده‌ها و پلها که محل عبور آنان بشمار میرود و حتی چشمه‌هایی که از آنها آب می‌بردارند همگی نقاطی هستند که رژیم سعی در کنترل آن داشته و در صورت امکان در اطراف آنها برای پیشمرگان کمین خواهد گذاشت. از این رو وقت در استفاده از آنها نیز دارای اهمیت زیادی است.

خودمختاری برای خلق کرد دموکراسی توده‌ای برای ایران

نمی‌تواند تدارکات سنگین را با خود حمل نماید. همچنین باید از این طریق اخبار و اطلاعات را جمع به منطقه و ضمیمه دشمن، کمیت و کیفیت نیرو و اقداماتی را که برای وارد آوردن ضربه به پیشمرگان بدانها دست می‌زنند را بدست آورد و با استفاده از این اطلاعات، ابتکار عمل را در دست گرفت. کسب اطلاعات در باره اقدامات جاسوسی دشمن و شبکه‌های هائی که در این رابطه بوجسود می‌آورد واجد اهمیت بسیار است. این شبکه‌ها می‌توانند موقعیت پیشمرگان را به اطلاع دشمن رسانده و موجبات وارد آوردن ضربه به آنها را فراهم سازند. با شناسائی و مجازات جاسوسان علاوه بر اینکه این جاسوسان از صحنه فعالیت حذف میگردند، آن دسته از نیروهای منزلیلی که زمینه همکاری یا دشمن را دارا هستند از عاقبت اینکسار هراسیده و جرات دست زدن به آنها از دست خواهند داد. با توجه به این که دشمن همواره در جهت درست کردن شبکه‌های جاسوسی و پرورش جاسوس تلاش کرده و موفقیت‌هایی نیز در این راستا بدست می‌آورد، حفظ اسرار

پیشمرگان باید در دسته‌هایی که کمیت آن متناسب با تمرکز نیروی دشمن در هر منطقه و عمقی بودن آن باشد بشکل کاملاً مخفیانه حرکت کنند. ارتباط بین این دسته‌ها دارای اهمیت زیاد است که استفاده از بیسیم و تکنیک پیشرفته ارتباط می‌تواند کمک زیادی به این امر بکند. ساختن زاغه‌های آذوقه و مهمات، در مناطق مختلف می‌تواند این دسته‌ها را هر چه سبک‌تر کرده و در شرایط حساس آنها را از مراجعه به روستاها برای تهیه تدارکات و تحمل مشکلات بسیار برای تهیه مهمات بی‌نیازشان کند. اما یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند به پیشمرگه یاری رساند، بهره‌گیری از همکاری توده‌هاست. از طریق ارتباطات توده‌ای و هسته‌های مخفی که در بین اهالی ایچساد میشود باید در خدمت گسترش جنگ، وارد آوردن ضربه به دشمن و حفظ نیروی خودی بیشترین بهره‌بردار را نمود. از این طریق میتوان تدارکات لازم را تهیه نمود، چرا که شرایط پارتیزانی به تحرك بالائی نیاز داشته و پیشمرگه



جنگی دارای اهمیت میباشد .  
 پیشمرگان باید در ضمن اینکه بیشترین پیوند با توده ها را برقرار کرده و بیشترین بهره برداری را از همکاری آنها مینمایند ، در حفظ استمرار جنگی حساسیت لازم را از خود نشان داده و به صرف ضرورت اعتماد به توده ها به بی توجهی در غفلتید و استمرار جنگی را در بینشان بازگونکنند .  
 در دست داشتن ابتکار عمل میتواند موفقیت اقدامات پیشمرگه را تضمین نماید . دشمن از برتری نیرو و تسلیحات برخوردار بوده و در موضع قدرت است . پیشمرگه با تکیه بر اراده قوی و آرمان مقدس میتواند با نیروی برتر درگیر شده و بالاخره آنها را به زانو در آورد ولی بدون دست داشتن ابتکار عمل ، موفقیت در این امر ناممکن است . حفظ نیروی پیشمرگه واجد اهمیت بسیار است و از این رو نیروی پیشمرگه هرگز نباید به عملیاتی تن بدهد که کسب موفقیت در آن حتمی نباشد . بی گمان در هر جنگی پیروزی و شکست وجود دارد ، اما پیشمرگه نباید به نبردی که از پیش امکان شکست آن هر چند تا حد ضعیفی وجود داشته باشد

ببردازد . تنها با اطمینان کامل از پیروزی در یک نبرد باید به آن تن داد . بنابراین اولا همیشه باید نقاط ضعف دشمن را پیدا کرده و ضربه را به ضعیف ترین حلقه نیروهایش وارد نمود . وارد آوردن ضربه به ضعیفترین نقطه دشمن علاوه بر اینکه امکان پیروزی در چنین نبردی را قطعی میکند ، حلقهات دیگر دشمن را دچار پراکندگی نموده و روحیه سایر مزدوران را بشدت ضعیف ساخته و حلقهات ضعیف دیگری را برای وارد آوردن ضربات بعدی بوجود می آورد . ثانیا تعیین زمان و مکان نبرد باید با پیشمرگه باشد . نیرویی که صحنه نبرد را تعیین نماید ، امکان پیروزی بالاتر است . از این رو همیشه باید به نبردی تن داد که زمان و مکان آنرا خود تعیین کرده باشیم و به کسب پیروزی در آن اطمینان داریم . هر جا که دشمن صحنه نبرد را به پیشمرگه تحمیل نمود ، اولین وظیفه او عبارت از این است که باید از چنین جنگی اجتناب کرده و در صورتیکه در کمین دشمن قرار داشته باشد ، عقب نشینی و خارج شدن از صحنه

درگیری ، اولین وظیفه اوست . حفظ موضعی که پیشمرگه در آن قرار دارد یا هر دلیل دیگری که پیشمرگه را به تن دادن به نبردی که صحنه آنرا دشمن تعیین کرده است میبخشد ، دلائلی نادرست است و موجبات شکست پیشمرگه را فراهم خواهد ساخت . ثالثاً ضرورت تن دادن به نبردی که صحنه آنرا دشمن تعیین کرده است اهمیت تعیین راههای عقب نشینی را در برابرمان قرار میدهد . هر جا که پیشمرگه حضور پیدا میکند ، اول باید راههای عقب نشینی را تعیین نمود و شرایط را برای استفاده از آنها فراهم سازد تا هر وقت که دشمن درصدی تحمیل نبرد به او بود با استفاده از آنها ، صحنه نبرد را خالی کند . تعیین راههای عقب نشینی در هر حالتی از جمله در زمانیکه پیشمرگان دست به عملیات میزنند ، دارای اهمیت حیاتی است در چنان حالتی نیز پیشمرگان میتوانند پس از کسب پیروزی در عملیات ( و یا احتمالاً روبرو شدن با عدم موفقیت در عملیات و به هم خوردن موازنه ) سرعت منطقه

عملیات را ترک کرده و از درگیریهای که دشمن میخواهد در شرایط نامساعد به آنان تحمیل کند ، اجتناب ورزند . به هر عملیات و کسب پیروزی در آن نباید بعنوان يك مورد نگریست ، هر نبردی باید حلقه‌ای از مجموعه زنجیره‌ای باشد که در خدمت استراتژی محینی قرار میگیرد . از این رو عملیات پیشمرگان باید تابع استراتژی که در این مرحله در پیش رویمان قرار دارد باشد و هر پیروزی موردی باید در خدمت پیروزی استراتژیک قرار گیرد . در این مرحله که باید خسته و فرسوده کردن نیروی دشمن و در نهایت آماده نمودن شرایط برای وارد آوردن ضرباتی که بتوان از طریق آنها مناطقی را آزاد کرده و نقاط پایگاهی پیشمرگان را گسترش داد ، در راس وظایف نیروی پیشمرگه باشد ، اقدامات پیشمرگان و عملیات و پیروزیهایشان نیز باید در خدمت این هدف ، یعنی هر چه فرسوده تر کردن نیروی دشمن قرار گیرد . دشمن نیز در این مرحله سعی میکند با فرسوده نمودن پیشمرگان ، شرایط را برای محاصره

کوچکترین حمایت اهالی از پیشمرگان و همکاری آنها در پیشبرد موفقیت - آمیز اقداماتشان داشته به آشکاری هر چه بیشتری خود را نشان داده است . اما نکته دیگری که نمیتوان از بیان مکرر آن خودداری کرد ، نقشی است که جنگ بین حزب دمکرات و کومله در این بین ایفا میکند . نیروی پیشمرگه میتواند در طول یک پروسه با فرسوده کردن نیروهای دشمن ، زمینه را برای آزادسازی مناطق فراهم سازد . اما تحقق این امر در گرو بکارگیری درست حد اکثر نیروی پیشمرگه در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی است . اما تا زمانی که جنگ بین حزب دمکرات و کومله ادامه دارد ، مانع اساسی در برابر پیشرفت استراتژی انقلاب قرار دارد و بدون پایان یافتن این جنگ خانگی اگر نگوییم که کسب و پیروزی استراتژیک بر دشمن در این مرحله امری بعید است ، قطعاً دست - یابی بدان با موانع اساسی روبرو بوده و با تحمل مصائب بسیار توأم خواهد بود .

و سرکوبشان فراهم سازد . بنابراین از دست زدن به هر گونه اقدامی که منسوج فرسودگی نیروی پیشمرگه شود باید اجتناب کرد . باید در کوتاهترین زمان ، سنگین ترین ضربه را به ضعیف ترین حلقه دشمن وارد کرده و به سرعت از منطقه درگیری دور شده و پیشمرگان را به نقاط امن رساند . بدین ترتیب نیروی دشمن خسته شده و بستوه خواهد آمد و موج ناراضی در بین صفوف دشمن افزایش خواهد یافت . و گرنه با توجه به برتری نیروی دشمن ، تن دادن به درگیری طولانی و بی دریغی و فرسایشی ، نیروی پیشمرگه را زودتر از مزدوران دشمن خسته و فرسوده خواهد کرد .

شاید نیازی به تکرار این واقعیت نباشد که تداوم و پیروزی نبرد پیشمرگان ، بیش از هر چیز و قبل از هر چیز در گرو سازماندهی مبارزات توده هادر اشکال گوناگونش و جلب انواع حمایت آنهاست . هر چه شرایط سخت تر شده ، اهمیت نقشی که مبارزات توده ها در عقب راندن دشمن و محدود نمودن تعرضاتش ایفا نموده و تاثیر بسزایی که



میافتد پس باید این حقیقت را با همه ابعاد آن برای تهیدستان منطقه توضیح داد .  
زمینه های اجتماعی پیدایش پان اسلامیم را باید در تحول مناسبات تولیدی و استقرار مناسبات سرمایه

۰۰۰ " ایران اسلامی " برآی بسیاری از جنبش های پان اسلامیستی مظهر و سرمشقی برای عمل و اندیشه شده است .  
اگر ایران کانون پرورش و بقدرت رسیدن پان اسلامیم در کل منطقه

چهره فریبکارانه پان اسلامیم رژیم جمهوری اسلامی

افشامی شود

- داری در بسیاری از کشورهای منطقه جستجو نمود . دولت های خود گامه و یا دولت های وابسته خود گامه که موجب این تسخولات شدند از سوسی موجبات ثروت اندوزی بخشهایی از سرمایه داران را که به غارتگری ثروت های ملی می پرداختند فراهم ساختند و از سوی دیگر حاصل این تحولات لایه های وسیعی از توده های تهیدست بود . که از مناسبات تولیدی سنتی کند و شد و ولی نتوانسته بودند در مناسبات نوین بحالت رشد شدیداً یکجانبه انگلی و ناموزون سرمایه داری جایگیر شوند. بدین ترتیب در یکسو قطبی از ثروت و مکتب آمیخته به مدرنیسم و غرب گرائی پدید آمد و در قطب دیگر

بود تزلزل و رسوائی جمهوری اسلامی ایران مهمترین ضربات مادی و معنوی را بر جنبش ارتجاعی پان اسلامیستی در کل منطقه وارد میسازد . وظیفه کمونیستها و انقلابیون ایران است که با افشاء پیگیر همه عملکردهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی زحمتکشان و تهیدستان منطقه را نسبت به ماهیت ارتجاعی جنبش پان اسلامیستی آگاه سازند و بدین ترتیب مانع از پیوستن توده های تهیدستان متوهم به رهبران سنتی سارتجاعی این جنبشها شوند . پان اسلامیم در موطن خود از سوی وسیعترین توده های مسردم به مبارزه طلبیده شده و در دریسای سم و نخرت توده ها به محاصره

فقر، بی‌خانمانی، آوارگی و واماندگی متراکم شد. قطب‌بندی بین دو مرکز فقر و ثروت بر مدار پیدایش پرولتاریای صنعتی در یک سو و بورژوازی صنعتی در سوی دیگر نیست؛ پیدایش این دو قطب در یک سو توده‌های وسیع خلق‌ید شده روستا و شهر و در سوی دیگر چپاولگران ثروتهای ملی، دولت‌مردان فاسد، بوروکراتهای متمول و سوداگران بورس بازان، تجار، سخن‌گوتاه سرمایه‌داری غیرهولد، انگل و بی‌ریشه را به عرصه کارزار طبقاتی میکشاند. تضاد بین این دو قطب شورشهای وسیع و عصیانهای شهیدستان شهری را موجب میگردد که خشم و نفرت خود را متوجه مظاهر نظام سرمایه‌داری به‌مثابه عامل فقر، فحاشی و فساد می‌نمایند. اما توده‌های شهیدستانی که روند پرولتاریزه شدن آنها هنوز بطور کامل طی نشده و برگرد هسته سخت پرولتاریای صنعتی حلقه نرود هاند، مالا مال از محصولات قسری، پیشداوریهای ستشی و مذهبی‌نی هستند که استعداد منحرف شدن آنها را بسمت سرمایه‌ستیزی کور و بی‌هدف و بعضاً کاملاً ارتجاعی

فراهم می‌آورد.

پیدایش توده‌های شهیدست و حاشیه تولید از طرفی بیانگر اینست که حقیقت است که مناسبات تولیدی متحول شده، مضمون اجتماعی انقلاب تقویت گشته و مبارزه علیه خودکامی و امپریالیسم دیگر نمیتواند صرفاً در چهارچوب نظام سرمایه‌داری درجیازند. تسلط مناسبات سرمایه‌داری الغاء مناسبات فئودالی و خلق یک وسیع از تولید کنندگان کوچک شهر و روستا گواه این تحول است. بنابراین این توده وسیعی پا به عرصه مبارزه می‌نهد که استعداد عظیمی بسرای انقلاب اجتماعی دارد و بدین ترتیب عیار پرولتاری توده زحمتکش بشدت بالا رفته و طبقه کارگر (هر چند کمتر رشد یافته) این معالک از متحسندی نیمه پرولتر و نیرومند برخوردار میگردد. اکنون دیگر در خاورمیانه دوران فرض ایدئولوژیهای ناسیونالیستی بورژوازی و خرد بورژوازی بسر رسیده است زیرا عصر استعمارزدائی و مبارزه بسا نظامات ماقبل سرمایه‌داری نیز سپری شده است. جمال عبدالناصر عاید به ۵۰ در شرایط امروز به حسنی مبارکها تبدیل میشود. و ناسیونالیسم

پوک و میان تهی دیگر جذبه‌ای در میان تهیدستان ندارد. هر مبارزه علیه استبداد بطور تنگاتنگی با مبارزه علیه سرمایه‌داری و انقلابی اجتماعی پیوند می‌خورد.

اما پیدایش توده‌های تهیدست در شرایط فقدان رشد هسته صنعتی و پرولتاریا و شکل‌گیری جنبش کارگری و پیوسته در شرایطی که احزاب و سازمانهای کمونیست قادر به سازماندهی تهیدستان نگشته‌اند، زمینه مساعدی فراهم می‌سازد. احزاب و تشکلهای ارتجاعی پسان اسلامیستی بتوانند احساسات ضد سرمایه‌دارانه توده‌های تهیدست را در تحت ایدئولوژی سنتی اسلامی منحرف ساخته و آنها را به سیاهی لشکر رهبری سنتی - ارتجاعی خود بدل سازند. رشد مناسبات سرمایه‌داری و اضمحلال نهادهای سنتی - فئودالی موجب میشود که اقشار و نهادهای سنتی همچون بورژوازی تجاری، خردبوسورژوازی سنتی و نهادهای روحانیست، در سراسیمه انحطاط و اضمحلال قرار گرفته و به اپوزیسیون دولت‌های دگامه و وابسته حافظ مناسبات

سرمایه‌داری پیوندند. این اقتدار از آنجا که دارای ایدئولوژی دم دست، تشکلهای صنفی - سنتی شکل گرفته و امکانات مالی و مادی وسیع هستند؛ مبارزه با سرمایه‌داری از موضع ارتجاعی خود را تحت پوشش شعارهای عوام - فریبانه ضد سرمایه‌داری و ضد بیگانگی در آورد و با توسل به لولای اعتقاد مذهبی و سنتی گرائی توده‌های تهیدست آنها را طعمه خود می‌سازند. ایدئولوژی پان اسلامیم اساساً به کند، بی‌خاصیت و عوام فریبانه خود را متوجه ضدیت با سرمایه‌داری و امپریالیسم نموده و لبه تیزوستیزنده خود را علیه کمونیسم و جنبش کارگری سمت داده و تهیدستان نیمه پروولتر را به چماقی برای سرکوب طبقه کارگر، دموکراسی و جنبش کمونیستی تبدیل می‌سازد. اسلام و با اصطلاح "اسلام سنتی" آن مستمکی است که توده‌های تهیدست را دنبال رد رهبران مرتجع و سرمایه‌داران و تجار اسلام پناه نموده و آنها را به جاده صاف کن حکومت مذهبی مستبد حافظ سرمایه تبدیل می‌سازد. مخالفست ظاهری و شطحی با سرمایه‌داری

آنهم تحت لوای " شرع اسلام " و...  
 چهره ارتجاعی و ضد مردمی رژیم  
 جمهوری اسلامی را عریان و آشکار  
 ساخت. همانگونه که در ایران توهم  
 اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان  
 نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی  
 زائل گشت در منطقه و در سطح  
 جهانی نیز ضربات اساسی به  
 جنبش پان اسلامیستی، سردمدار آن  
 و رهبران آن وارد آمد. امروز ماهیت  
 عمیقاً ضد دموکراتیک رژیم جمهوری  
 اسلامی بمشابه رژیم اعدا و شکنجه  
 در سطح جهانی به امری بدیهی  
 مسلم و مسلّم تبدیل شده است.  
 رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی  
 سازمان ملل متحد با اکثریت آرا  
 بعنوان رژیم اعدا و شکنجه محکوم  
 شده است. در سال جاری نیز  
 بلحاظ تعداد اعدا و امپای سیاسی  
 و اعمال شکنجه مقام نخست پر رژیم  
 جمهوری اسلامی تعلق گرفت.  
 رژیم جمهوری اسلامی نه فقط  
 رکود را شکنجه و اعدا بلکه سهیل  
 و خشیکری بی همتا در سرکوب جنبش

( بعنوان عامل گسترش الحاد ) و  
 امپریالیسم ستیزی فریبکارانه  
 ( بیگانگانی که حامل کفر و فساد  
 هستند ) اجزا لاینفک ایدئولوژی  
 ارتجاعی پان اسلامیم است.  
 اما همانگونه که در قبل اشاره  
 کردیم در ایران، روحانیت طرفدار  
 ولایت فقیه از طریق سازماندهی  
 تهیدستان عامی توانست کسب  
 جنبش انقلابی را به زیر سرکردگی  
 خود بکشد. اما ارتجاع ولایت فقیه  
 پس از دست یابی به قدرت سیاسی  
 با تمام قوا شروع به سرکوب آزادیها  
 دموکراتیک که خود محصول مبارز  
 تودهای مردم علیه رژیم خودکامه  
 پهلوی بود، نمود. این سرکوبها  
 و همچنین سیاستهای ارتجاعی  
 ولایت فقیه در قبال همه اجزای  
 آزادیهای دموکراتیک در ۳۰ خرداد  
 به اوج خود رسید و از آن پس  
 سرکوب فاشیستی تمام عیاری بر کل  
 جامعه ماکم شد. اعدا هزاران  
 انقلابی کورنیست، اعمال وحشیانه  
 ترین شکنجههای قرون و سطرانی

**مرك بر جنك! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!**





حاصل از معامله اسلحه با ایران را در اختیار ضد انقلابیون نیکاراگوئه قرار میدهند تا کشتار و قتل و عام وحشیانه مردم نیکاراگوئه موثرتر انجام شود.

اگر جمهوری اسلامی موطون جنبش اسلامی و کانون تقویست، حمایت، الهام و صدور انقلاب اسلامی است و اگر سرنوشت جمهوری اسلامی با سرنوشت جنبش اسلامی پیوند خورده است پس سرگذشت رژیم جمهوری اسلامی آئینه تمام نمایان اسلام است. جمهوری سرگود بیارزات خلفها و جمهوری ساخت و پاخت با هفت تیر بند آن امپریالیست در پوشش عوام فریبی های ضد امپریالیستی است. اگر ماهی جمهوری اسلامی از سر گندیده باشد پس تکلیف جنبش پان اسلامیستی روشن است. داستان امروز رژیم جمهوری اسلامی سرنوشت فردای همه جنبشهای پان اسلامیستی منطقه است.

تهیدستان و زحمتکشان سراسر منطقه که تاکنون نسبت به آرمانهای جنبش پان اسلامیستی متوهم بوده و

به خطر افتاده، از همان فردای قیام به سرکوب آزاد بیهای دموکراتیک برخاست.

سرکوب آزاد بیهای دموکراتیک همچنین سرکوب جنبش کارگری در خدمت دفاع از نظام سرمایه داری خود مهمترین گسواه پوچ بودن عوام فریبی های ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی بود. افشاء رابطه پنهانی دولت جمهوری اسلامی و بحران عظیم ناشی از آن که ابعاد بین المللی پیدا نمود، نافوس سرکوب عوام فریبی های ضد امپریالیستی این رژیم ارتجاعی را بمسداد آورده است. در برابر دیدگان مسردم ایران و سراسر منطقه چهره عوام فریب، دروغ پرداز و ریاکار جمهوری اسلامی افشاء میشود. ادعاهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی به تشبها لاف و گزافی بیش نبود بلکه فقهای جنایتکار به معامله با ریگان یعنی ارتجاعی ترین، جنگ افروزترین و قلد رمنش ترین جناح امپریالیسم جهانی پرداخته اند. دولتی که رئیس جمهور آن ریگان با افتخار خود را یک کنتر (یعنی ضد انقلاب نیکاراگوئه) مینامد و د ولت مردان او عواید

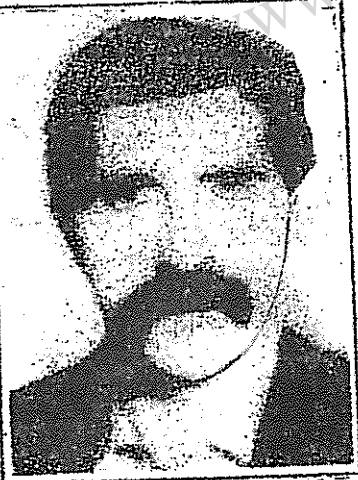
لیستی و ضد سرمایه‌داری و در حقیقت در خدمت نظام سرمایه‌داری برای تداوم بخشیدن به بردگی شهیدستان است. برای درهم شکندن دستگاه‌های دولتی سرکوبگر باید مه غلیظ توهمات را کنار زد و بر گرد طبقه کارگر این طبقه تا به آخر انقلابی و پیشرو واقعی همه ستمدیدگان حلقه زد. این آن درسی است که رسوائی رژیم جمهوری اسلامی و سرنوشت نهضت اسلامی در ایران می‌آموزد.

غیرم بربریت رژیم اسلامی در سرکوب آزادی‌ها، اسیر تبلیغات ضد-امپریالیستی جمهوری اسلامی و ایادی و سرپرندگان او در منطقه بودند با افتاء ساخت و پاخست جمهوری اسلامی با دارودسته ریگان در برابر یک حقیقت عبرت‌آموز و غیر قابل انکار قرار گرفته‌اند: رژیم سرکوبگر، ضد دموکراتیک، ضد کمونیست و ولایت فقیه نمی‌تواند ضد امپریالیست باشد. پان اسلامیسیم جنبشی ضد مردمی، عوام فریب با آرایه‌های فریبکارانه ضد امپریالیست

★ آنگاز از مرگ سزودرهایی ساختند

## جاودان باد یاد

زقیق پرویز جهانپخش



قهرمان زندانهای شاه و کادر فعال و خستگی ناپذیر سازمان ما که پس از یک دهه زندگی مبارزاتی سراسر فداکاری و پیشساز از ایمان و اراده‌های پولادین پسه آرمان

سرخ و پیروز طبقه کارگر، در تاریخ ۲۴/۹/۲۰ طی یک درگیری اشتباهی با یکی از سازمانهای سیاسی کرد به شهادت رسید. بایاد او، در راه سرخ او، راه رهائی پرولتاریا به پیش میرویم!

## نگینه و نظر

## بیاوه گوئی حق مسلم جریان توکل است

این مقاله که با اصطلاح در بر خورد و نقد مواضع ما منعکس در مقاله «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، خود مختاری خلق کمرد و کمونیستها» مندرج در ریگای-گریگار شماره ۳۶ نگاشته شده، طبق شیوه معمول و مالوف جریان توکل ابتدا به تحریف مواضع ما میپردازد و سپس به رد و نقد آنها میپردازد. اما واقعیت این است جریان توکل در این شیوه شاید آن نیز موفیق نبوده و به شکلی آشفته و حتمی مالیخولیائی به تحریف و سپس رد مواضع ما میپردازد. این بدان معنی نیست که در نهایت این جریان نتوانسته اتهاماتی را به ما وارد نماید بلکه بالعکس این جریان صراحت بخشیده که ما حق ملل در تعیین سرنوشت خویش (بمفهوم حق آنها تا سرحد جدائی) را قبول نداریم چرا که این حق را همانند دیگر حقوق دمکراتیک مفهومی کلی خوانده ایم.

جریان چاققدار توکل که اکنون مدتها است به گوشه انزوا رانده شده، منفعل و درمانده میکوشد با تحریف مواضع نیروهای انقلابی و پرخاشگری و فحاشی علیه آنان خود نمائی کند تا وجود بی نایسده و حتی مضر خود را در جنبش در حال بازسازی و روبه پیش چپ ایران، توجیه نماید. در این راستا همواره پرخاشگری و فحاشی این جریان متوجه راه کارگر بسوده و هست تا از این طریق ضمن اظهار وجود، بی هویتی خویش را در گرد و خاک که علیه راه کارگر پیا می کند بیوشاند یا بعبارت دیگر بی نفسی مواضع راه کارگر برای خود هویتی دست یابد. مقاله «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و سرنوشت راه کارگر» مندرج در چهل و ششمین شماره ریگای گن این جریان چاققدار عونه بارزی از این دست تلاشها و دست و پا زدنهای بیسوده است.

مستقل هستیم اما در موارد مشخص درستی‌ترین و اصولی‌ترین راه استفاده از این حق را پیشنهاد میکنیم و بر روی آن تاکید می‌ورزیم. قبول هر حق لزوماً به معنای استفاده از آن نیست، مثل حق طلاق. در مورد منحص خلق کرد ما ضمن تاکید بر حق جدائی آنان و تشکیل دولت مستقله خواهان جدائی آنها نبوده بلکه خواهان اتحاد داوطلبانه با دیگر خلقهای سراسر ایران هستیم و ایمن راه را در چهارچوب خود - مختاری اصولی‌ترین راه میدانیم و آن را تبلیغ و ترویج نیز میکنیم. اما جریان چماقدار توکل اتفاقاً سر همین پل ارائه پیشنهاد مشخص برای خلق کرد متوقف میشود و حاضر نیست بجای آن همه سیاه کردن ناغند بالا خره بگوید چه راهی را بطور مشخص برای خلق کرد - در راستای استفاده از حق خویش تا سرحد جدائی - مفید میداند و پیشنهاد میکند. شاید جریان توکل نتوانسته (اگر نکوئیم که نخواست) کنسه

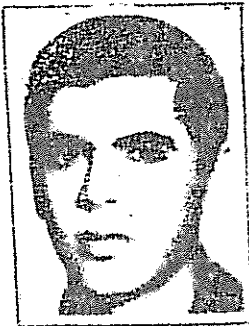
بدین ترتیب جریان توکل ما را در موضع تدافعی!! قرار داده و ما را ساگیر نموده تا در دفاع از خود!! در مقام پاسخگوئی برآئیم. اما واقعیت این است مواضع ما منعکس در مقاله مورد - باصطلاح - نقد جریان توکل درست (یعنی کمیستی) بوده و بنابراین دفاع ما از مواضع مان جز تشریح همان مواضع، البته به زبانی قابل فهم برای جریانی همچون جریان چماق - دار توکل نمیتواند باشد. ما گفته بودیم (و میکنیم) که حقوق دیکراتیک و منجمله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش (کنسه معنایی. جز حق جدا شدن نمیدهد) مفاهیمی کلی هستید. ما قاطعانه و پیگیر از این حقوق (یعنی همین مفاهیم کلی) دفاع میکنیم. اما حق خود میدانیم که اصولی‌ترین راه استفاده از این حقوق را تبلیغ و ترویج کنیم. مثلاً در مورد مسئله ملی ما مدافع پیگیر حق ملل در جدا شدن از ملل دیگر و تشکیل دولت

پیش‌پسوی سازماندهی هنرمونی طبنه‌کارگر

سرانه مخالف باشیم ، تمام تلاش خود را میکنیم که این حق آنان تحقق یابد .

آری جنابان توکلی ، حق آزادی عقیده ، بیان و قلم از جمله حقوق حقه دموکراتیک هستند . اما از آنجا که شما - بطور مشخص - عقایدی - سخیف برگزیده اید و شیوه های سبک - سرانه ای برای بیان و قلمزنی - انتخاب نموده اید و بر آن تاکید میسورزید ، ما در مقابل تمامی نیروهای غیر دموکراتیکی که به بخوانند بزور چماق و سر نیزه شما را از داشتن این عقاید و تبلیغ و ترویج آن منع نماید ، از شما بسه دفاع برمیخیزیم ، در این رابطه بطور مشخص ، داشتن عقاید سخیف و یاوه گویی حق مسلم شماست .

قضیه را دریابد . بنا بر این ناگزیریم برای روشنتر شدن مطلب - آنگونه که جریان توکل قادر به درک آن باشد - مثالی بزنیم : مثلاً ما قویا و موکدا طرفدار حقوق آزادی عقیده ، بیان و قلم هستیم و در این راه مبارزه میکنیم . در این رابطه ما - بطور مشخص - خود را محقق میدانیم که عقاید مارکسیست لنینستی داشته باشیم و آنرا تبلیغ و ترویج نیز بنمائیم . اما اگر مثلاً جریان چماقداری مثل توکل خواست در چهارچوب همین حقوق دموکراتیک عقایدی سخیف داشته باشد و آنها را حتی بشکلی سبک سرانه تبلیغ و ترویج بنماید ، اما این حق را برای آنان قائلیم ، و حتی در این راستا ، غیرغم آنکه با این عقاید سخیف و سبک -



آنان از مرگ سرود رهایی ساخته اند

چاوودان باد یاد

رفیق جمال بهمن پور

همرمز جوان ویرشورسازمان ماکه پیر از چند ماه شکنجه طولانی روزه آذر ، آذ رزند این سندج تیرباران شد . جای اولار میار ما خالی ولی یاد او چون آرمان پیروزش پرد و ام است

## نوزدهمین سال استقلال یمن

### گرامی باد

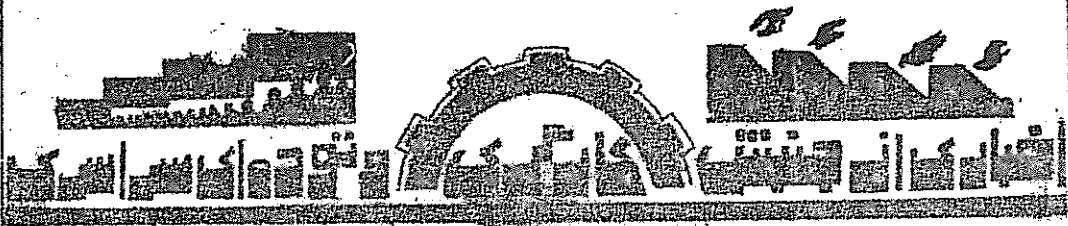
نهم آذر (سی ام نوامبر) مصادف است با نوزدهمین سال استقلال یمن و پایه گذاری جمهوری دموکراتیک خلق یمن در پنجمین روزی جنبه آزاد بخش ملی یمن پس از سالها مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران امپریالیسم انگلیس سرانجام توانست قوای استعمار را مجبور به ترک یمن نماید.

اما از فردای استقلال، رگبرها حادثی در صفوف جنبه خلق بسرای آزادی یمن آغاز گشت، بخششی از گردانندگان این جنبه طرفدار حفظ نظم گذشته بوده و تنها خواهان استعمارزدانی صوری بودند، متقابلا جناح رادیکال - انقلابی جنبه از اصلاحات اجتماعی دامنه دار بنفع کارگران و زحمتکشان حمایت میسکرد. جناح رادیکال با اتکا به تسلیح پرولتاریا و نیمه پرولتاریای یمن و حمایت وسیع از سوی آنها و پشتیبانی سایر زحمتکشان، توانست جناح محافظه کار و راستگرا را پس

زده و رهبری جامعه یمن را بدست گیرد.

جناح رادیکال - انقلابی با پذیرش مارکسیسم - لنینیسم بعنوان ایدئولوژی رسمی خود به تهیه مقدمات تشکیلات حزبی پرداخت و سرانجام در سال ۱۹۷۸ حزب طبقه کارگر یمن (حزب سوسیالیست یمن) تشکیل شد. در طی همین دوره و تحت رهبری حزب سوسیالیست یمن جامعه یمن بسوی سوسیالیسم مسرت گیسری نمود و اصلاحات اجتماعی عمیقی بنفع کارگران و زحمتکشان انجام شد. از چند سال پیش اختلافاتی بر سر سیاست اقتصادی و سیاست خارجی یمن در منطقه در پیسن معروف حزب سوسیالیست یمن بروز کرد. متاسفانه این اختلافات در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۱ خیلست قهر آمیز بخود گرفته و در نتیجه آن ضایعات فراوان و بعضا جسبران ناپذیری بر سر پیکر حزب سوسیالیست یمن وارد آمد، در جریان درگیریها بخش فایسل





به نقل از نشریه راه کارگر شماره ۳۱

## رکود تولید و بیکاری کارگران

ایران ناشیونال

که احتیاج ندارند، فشار میاورند تا خود آنها مجبور به استعفا گردند. در حال حاضر این کارخانه روزانه ۶۰ اتومبیل پیکان تولید میسازد و حدود ۶ هزار نفر مشغول بنا میباشند. اخراج کارگران فعلا متوقف شده و کارگران را بدلیل کمبود نیرو، به ۳ شیفت تقسیم کرده اند و اضافه کاری دوباره رواج پیدا کرده است. هم اکنون اکثریت قریب به اتفاق کارگران دیگر حاضر به استعفا نیستند. آنها در این مدت یکماهه از نزدیک شاهد سرگردانی و بیکاری همکاران اخراجی خودشان بوده اند.

در این شرکت که تا تاریخ ۱۷/۴/۶۵، به کارگران مهلت داده شده بود که استعفا بدهند، تا شهریور ماه حدود ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ نفر استعفا داده بودند و خط استعفا همچنان ادامه داشت. بطوریکه دست انداز کارگران تنها حدودی سعی داشتند که استعفا را مهار کنند. مخصوصا از استعفا آنهایی که مورد احتیاج میباشند. جلوگیری کنند. از طرف دیگر کارگران مطرح میساختند که مسئله استعفا بگونه ای است که به کارگرانی



۵۷ نفر از آنها در چند سویت و بدون دادن حتی يك ريسال اخراج گردیدند. از نظر مدیریت اخراج این کارگران از آنجائیکه هنوز دوره آموزشی ۳ ماهه خود را پایان نرسانیده بودند، پرداخت مبلغی پول قانونی میباشد.

### کارخانه پلی اکریل

این کارخانه که در ۵۰ کیلومتری اصفهان واقع است و دارای ۲۵۰۰ کارگر میباشد، بعلت کمبود مواد اولیه، به مدت ۴۵ روز تعطیل گردیده بود. مدیریت این کارخانه گفته است برای جبران زبانی که از این تعطیلی به کارخانه وارد آمده است باید از حقوق و مزایای کارگران کسر شود که این امر با مقابله یکبار چه کارگران روبرو گردیده است. مدیریت هم اکنون از مقابله مستقیم با کارگران هراس دارد.

و فهمیدند که شرکت هرچقدر پول به آنها بدهد، سریعاً تمام میشود و آخرش بیکاری و بی پولی و سرگردانی است. به همین خاطر این روزها کارگران میگویند: «برای اینکه ما را تشویق به باز خرید کند، میگویند که میخواهیم شما را بسه جبهه‌ها و یا مناطق جنگی بفرستیم و حال که اکثراً بیرون رفته‌اند، معلوم شده که فقط برای ترساندن کارگران این حرف را زده‌اند». کارگران ایران ناسیونال در حال حاضر کارگران کارخانجات دیگر را نیز از استعفادادن برحذر میمانند.

### اخراج کارگران

در کارخانه آتمسفر این کارخانه که ۲۰۰ الی ۸۰۰ کارگر دارد، در جاده مخصوص کرج واقع شده است و متعلق به بخش خصوصی میباشد. حدود ۳ ماه پیش تعداد ۱۰ نفر کارگر به استخدام این کارخانه درآمدند که در فاصله ۱۵/۴/۶۵ تا ۲۲/۴/۶۵، تعداد

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده‌ای!

### جنگ و کارگران

لندور

در تاریخ ۱۴/۴/۶۰ از طرف سپاه پاسداران اطلاعاتی در تابلو اعلانات زده میشود و در آن از کلیه کارگران خواسته میشود که جهت آموزش نظامی ثبت نام نمایند . از طرف دیگر اسامی کلیه کارگران به بسیج کارخانه داده میشود و قرار براین میگردد که هر هفته تعداد ۴۰ نفر را جهت آموزش بفرستند . اکثر کارگران از این موضوع ناراحت هستند و میگویند هدف رژیم ایسن است که کارگران را پس از آموزش ، به جبهه ها اعزام نماید . به همین خاطر در حال حاضر تعدادی از کارگران حاضر نیستند دوره آموزش نظامی را طی کنند .

### کارخانه کفش شاه

در اوایل شهریور ماه از طریق بلند گواعلام میشود که کارگران داوطلب شرکت در جبهه ها خسود راجهت اعزام به دفتر انجمن اسلامی معرفی نماید . ولی هیچیک

از کارگران داوطلب نمی گردند . انجمن اسلامی و بسیج کارخانه بیکار نشسته و باز هم پس از چند روز دیگر از طریق بلندگو از کارگران خواستند تا برای رفتن به جبهه ها ثبت نام نمایند و باز هم کسی ثبت نام بعمل نیاورد . این مساله باعث ناراحتی شدید انجمن و بسیج گردید . آنها پس از اینکه فرم اعزام ۱۵۰ نفر از کارگران را پخش کردند و از میان آنها فقط ۶ نفر به جبهه رفتند ، بیشتر فشار روحی هستند و عرق جبهه بیشتر منزوی شده اند . کارگران آنها را به همدیگر نشان میدهند و حتی در جلو انجمنی ها و بسیجیها مطرح میکنند که شماها چرا به جبهه نمیروید ؟ همچنین دائما سعی میکنند از طریق شوخی و تمسخر نفرت خود را بروز دهند .

اعتصاب ۲ ساعته در شرکت کفش پویا کارگران این شرکت پس از آنکه متوجه شدند مقدار پولی که به آنها پرداخت شده بسیار ناچیز است به اعتصاب دست زدند . اعتصاب سرعت بهمسبب دستهاگسترش یافت .

## اخباری از بلوچستان

نقل از پنجمین شماره کاری راه ارگان کمیته بلوچستان سازمان

داشته باشد مبلغی بیشتر از این  
میخواهند که راستگان از پرداخت  
آن عاجزند و فرار را با همه خطرات  
جانی که دارد ترجیح میدهند. در  
همین رابطه يك ماشين که از پیشین  
عازم "مد" و بارآن سوکت بسود  
هدف گلوله مزدوران ژاندارمیری  
قرار میگيرد که يك نفر از سرنشینان  
آن در دم جان میسپارد. این  
سها گوشه‌ای از جتایات روزافزون  
رژیم خلقی فقها میباشد.

درگیری مسلحانه بلوچهای مسلح  
تسبیح عشایر و پاشداران  
در مهر ماه سال جاری در تنگ  
از توابع دشتیاری و نغراز بلوچها  
مسلح در محاصره تسبیح عشایر قرار  
میگیرد، که منجر به درگیری مسلحانه  
میگردد. در حین درگیری بلوچهای  
مسلح با تسبیح عشایر پاسداران به  
گتک تسبیحها میآیند. بر اثر تمام  
شدن کلیه فشنگهای بلوچهای مسلح  
مرد و نفر در این درگیری کشته  
میشوند.

بیاچپاول دسترنج مردم

و بیارگبار

در دومین هفته شهریور ماه  
مزدوران ژاندارمیری نوار مرزی پیشین  
برای چپاول و غارت دسترنج زحمت -  
کشسان کمین میگذارند و از هسر  
ماشین حامل مسافردون بار مبلغی  
بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان باقیست  
ضمانت کتبی که این شیوه کارماورین  
را افشاء نمایند دریافت می‌کنند  
و از ماشینهایی که بارشان مسواد  
خوراکی و یا پوشاکی و بنزین و غیره



برنامه آزمایشی

## صدای کارگر

## رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه آزمایشی صدای کارگر هر شب در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روی موج کوتاه ردیف ۷۰ متر معادل ۴ مگاهرتز بمدت نیم ساعت پخش میگردد. این برنامه در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را بخاطر بیارید!  
زمان و طول موج صدای کارگر را به همگان بگوئید و در همه جا بنویسید!

برای تماس با

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و یا

صدای کارگر

با آدرس زیر مکاتبه نمایند

آلمان

Postfach 650226

1 BERLIN 65

w. Germany

با کمک های مالی خود سازمان را در

آخر مبارزه انقلابی یاری رسانید

با شریه

دیپاک کرپا

مکاتبه کنید

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر